

رہیافتی به منظومہ فکری مقام معظم رہبری (مدظلہ العالی)

در حوزہ پاسخگویی به سوالات و شبہات (۴)

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبہات - حوزہ علمیہ قم*

مقدمہ

امروزہ موضوع تولید پیوستہ، توزیع انبوه و تأثیرگذاری شبہات دینی، امری است کہ نہ تنها نمی توان آن را انکار کرد، بلکہ انکار یا کم‌اهمیت دادن آن از خود شبہات خطرناک‌تر است. پیشرفت حیرت‌انگیز رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، عرصہ نبرد میان حق و باطل را بہ صورت گستردہ‌ای بہ خصوصی‌ترین عرصہ‌های جامعہ کشانده و ہمہ اقتشار و آحاد جامعہ را در معرض آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی قرار داده است. راہبرد «الباطلُ یُموتُ بترک ذکرہ» اگر در گذشتہ می‌توانست تا اندازہای کم‌کاری‌ها و مسؤولیت‌ناپذیری بخشی از نیروهای جبهہ فرهنگی اسلام را توجیہ کند، امروز رنگ باخته و کارایی خود را از دست داده است. دشمنان اسلام و نظام اسلامی ہمہ ابزارهای لازم و قدرتمند برای مدیریت افکار عمومی و تغییر و استحالیہ آرام و نرم افکار، احساسات و رفتارهای جوامع مسلمان بہ سوی اهداف خود را در اختیار دارند و پیوستہ بہ فعالیت‌های علمی، برنامه‌ریزی شدہ و هدفمند مشغول‌اند. مهم‌ترین اصل مؤثر و ضروری مواجہہ حکیمانہ با برنامه‌های دشمن، آگاهی لازم، بہ‌روز، تفصیلی و علمی از راہبردها، شیوہ‌ها، ابزارها و تحرکات دشمن در جہت تضعیف جبهہ خودی است. این امر همچنان کہ در جنگ‌های سخت، نیازمند کارهای اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی است، در جنگ‌های نرم ہم متناسب با شرایط خاص آن، فعالیت‌های اطلاعاتی، از قبیل رصد شبہات، تحلیل و جریان‌شناسی شبہہ و آیندہ‌پژوهی در این عرصہ را ضروری می‌نماید. در این میان نفوذ در جبهہ دشمن و زیرنظر گرفتن تحرکات ریز و دشت آن و اقداماتی کہ برای آسیب زدن بہ



فرهنگ دینی جامعه در حال وقوع یا در آغاز شکل‌گیری است، سهم مهم، لازم و مؤثری در امر صیانت از مرزهای فرهنگی و عقیدتی جامعه اسلامی دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان چشم تیزبین جبهه حق در دنیای کنونی و از خاستگاه راهبری و هدایت نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های گوناگون فرهنگی در نظام اسلامی، همواره بر امر پاسخگویی تهاجمی به شبهات تأکید داشته‌اند. در منظومه فکری معظم‌له شناخت و تشخیص شبهه و پاسخگویی عالمانه به آن پیش از ورود به فضای فکری جامعه و درگیر شدن بخش‌هایی از مردم و احیاناً آسیب دیدن برخی از افراد، بر شبهه‌شناسی و پاسخگویی تدافعی که راهبرد غالب در میان نهادهای فرهنگی ماست، اولویت قطعی و ضروری دارد؛ از این رو ایشان در مواقع و مناسبت‌های گوناگون شخصیت‌ها، نهادها و مراکز مسئول را به اتخاذ راهبرد «علاج واقعه پیش از وقوع» توجه داده‌اند. آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای از بیانات ایشان درباره اهمیت و جایگاه رصد شبهات در امر شبهه‌پژوهی و پاسخگویی به شبهات است:

اساسی‌ترین اقدامات شبهه‌زدایی و پاسخ‌گویی، شبهه‌شناسی (۲)

در دنیا هم اکنون در بُعد اعتقادی، دیگر آن شبهات توحید و خداشناسی و اصل دین که زمانی رایج بود، خیلی مطرح نیست؛ لیکن شبهات گوناگون دیگری مطرح است؛ شبهاتی مربوط به امام زمان علیه السلام، شبهاتی از ناحیه وهابی‌ها نسبت به عقاید شیعی، شبهاتی مربوط به رکن اساسی نظام ما - یعنی ولایت فقیه که یک امر اعتقادی و استدلالی است - شبهاتی مربوط به اینکه آیا دین اسلام برای اداره زندگی جامعیت دارد و اصولاً آیا اسلام دین سیاست و زندگی هم است یا نه و یا صرفاً دینی به معنای اعتقاد و عمل شخصی است؟ الان مجموعه این شبهات مطرح است.^[۱] پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است.^[۲]

۱. جریان شناسی شبهات و شناخت عرصه‌های چالش بین اسلام و معارضان

غالب شبهاتی که افرادی که خودشان را روشنفکر قلمداد می‌کنند، مطرح می‌کنند، ... خاستگاه‌های بیگانه و غربی دارد... گاه پنجاه یا صد سال، از اعتبار آنها گذشته!... فضلالی ما، باید خاستگاه شبهات را پیدا کنند؛ خودشان را آماده و مجهز کنند که قبل از ورود شبهه، ذهن‌ها را مصونیت بخشند.^[۳]



امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود - به‌خصوص در میان جوانان - هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهن‌ها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است.^[۴]

آنچه مربوط به ایمان مردم است، آنچه مربوط به حقانیت اسلام و قرآن و احکام الهی است، آنچه مربوط به درآمیختگی و وحدت دین و سیاست است، آنچه مربوط به مبانی خاص جمهوری اسلامی است؛ همه اینها مورد چالش است و این چالش به‌شکل بسیار جدی دارد دنبال می‌شود. مخالفان نظام جمهوری اسلامی فقط یک مشت فحاش‌هایی که در رادیو و تلویزیون‌ها بنشینند و یاوه‌سرایی سیاسی بکنند، نیستند؛ افراد متفکر را به کار گرفته‌اند؛ آدم‌هایی را که در زمینه‌های فکری - چه دینی، چه سیاسی - می‌توانند حرفی به میدان بیاورند، به‌کار گرفته‌اند و دارند پول خرج می‌کنند و فکر درست می‌کنند و آن را به جامعه تزریق می‌کنند.^[۵] یکی از دلایلی که انقلاب اسلامی توانسته است در مقابل کارشکنی‌های غرب ایستادگی کند همین است؛ ما فکر به میدان آوردیم؛ ما مثل یک کودتا عمل نکردیم. امروز تفکرات اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی، تفکرات سیاسی و اجتماعی غرب را به‌طور جد به چالش کشیده است؛ همین مسئله مردمسالاری دینی و مسئله پیگیری عدالت... این مسئله عدالت و تعمیم آن به همه میدان‌های قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی، جزو افکار و نوآوری‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی دنیای امروز است که اینها را به چالش می‌کشد.^[۶]

۲. شاخصه‌های ارزیابی شبهات

یک نفر می‌آید فکر و شبهه و پیشنهاد فکری‌یی را در میان می‌گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم، باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش‌های غلط آن را کنار بزنیم؛ و اگر بخش درستی دارد، آن را بگیریم و با بخش‌های درست خودمان در هم بیامیزیم و مخلوق خودمان را ارائه دهیم.^[۷]

۳. رصد جریان‌های فکری منحرف و معارض (فرقه‌ها، نحله‌ها، مکاتب

انحرافی و عرفان‌های کاذب)

در هر جا که با مخاطبین خودمان مواجه هستیم - اول باید بدانیم که آن سؤال و استفهامی که در ذهن جوان است، چیست. البته مواردی هم پیش می‌آید که سؤال و استفهامی که در



ذهن اوست، اهمیت کمی دارد و شما ترجیح می‌دهید چیز مهم‌تری را به او بگویید؛ البته باید همین‌طور عمل کنید؛ لیکن امروز که ابهامات، سؤال‌ها و استفهام‌های گوناگون را به فکر قشرهای مختلف - علی‌الخصوص جوانان - تزریق می‌کنند، می‌باید دین بایستی آن شبهه‌راه، آن موج مخرب و مفسد و مضر را بشناسد تا بداند که می‌خواهد علاج چه دردی را بکند و کدام خلأ را می‌خواهد پر کند.^[۸]

اینکه شما ملاحظه می‌کنید از سال‌های دهه شصت، از دوران حیات بابرکت امام، چه دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آنها از داخل، مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بینات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته‌اند. این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.^[۹]

۴. شناخت خرافات

مسئله دیگر، مبارزه با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ما می‌کنند. مبارزه با خرافات را باید جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده... ما خیال می‌کنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده مردم است و خرافی و خلاف واقع است، مقاومت کردیم، بر خلاف شئون روحانی عمل کرده‌ایم؛ نه، شأن روحانی این است... در مبارزه با خرافات شجاع باشید. البته خرافه چیست؟ خود این مهم است. بعضی‌ها هستند که حقایق دینی را هم به‌عنوان خرافه انکار می‌کنند. ما کاری با آنها نداریم. آنچه که با کتاب و سنت متقن و معتبر ثابت شده، از دین است؛ چه حالا عقول بپسندند یا نپسندند. از این حمایت و دفاع کنید. آنچه که با دلیل معتبر ثابت نشده است و با مبانی و اصول دینی معارضه ندارد، درباره آن ساکت بمانید.



آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می شود خرافه، و معیار خرافه این است. امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکل های مختلف در جامعه دارند کار می کنند. البته این همه نشانه این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدم خرافه ساز می رود خرافه درست می کند؛ چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلبی را به میدان می آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه گرایش مردم به دین است. اما خوب، این خطرناک است. در مقابله با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید؛ که غالباً در مواردی انسان متأسفانه می بیند که این مراعاتها هست.^[۱۰]

البته در همین جا، من به همه علاقه مندان و عشاق گسترش اسلام عرض کنم که درست نقطه مقابل این پیروزی، آن است که کسانی خرافات را به نام اسلام بیان کنند. بزرگ ترین دشمنی در این قسمت با اسلام، همین است که کسانی به نام اسلام، به نام دین خدا و به نام محبت اهل بیت علیهم السلام، خرافاتی را اشاعه دهند که وقتی کسانی از این خرافات اطلاع پیدا می کنند، بگویند «اگر اسلام این است، ما این اسلام را نمی خواهیم!» این، ضربه بزرگی است... مبلغان دینی، علمای دینی، متفکران دینی، عشاق گسترش اسلام، علاقه مندان به اسلام و اهل بیت علیهم السلام باید توجه کنند که اسلام و قرآن، با استدلال و منطق همراه است. مکتب اهل بیت علیهم السلام، با منطق و استدلال همراه است. اگر استدلال را از آن جدا کردند و به جای استدلال، خدای نکرده چیزی را وارد کردند که از منطق دور است و جنبه خرافی دارد، این درست ضد استدلال عمل خواهد کرد.^[۱۱]

۵. رصد اشکالات و شبهاتی که جریان های معارض بر ضد نظام فکری ما مطرح می کنند (سایت ها و شبکه های ماهواره ای و کتب منتشر شده در خارج)

امروز... هر چند صبحی، یک نفر در دنیا سر بلند می کند و کتابی می نویسد؛ کتاب او را به زبان های دیگر ترجمه می کنند و چهار نفر هم، مروجش می شوند؛ ما چه کار کنیم؟ ما اینجا در مدرسه فیضیه، یا در حوزه قم، یا در مسجدمان در فلان شهر کشور، بنشینیم تا ببینیم چه



حرفی از خارج آمد که فلان نقطه‌اش، اشاره یا تعریضی به مسائل دینی دارد؛ و بنا کنیم همان نقطه را ردّ کردن؟ این، درست است!... یا نه؛ حوزه باید در متن حوادث علمی عالم باشد؟ ... چرا ما از اول، متوجه نباشیم که چه چیزی دارد در دنیا فراهم و فرآورده می‌شود تا به افکار بشر داده بشود؛ تا خودمان را از ریشه آماده کنیم؟

... چنانچه حوزه‌های علمیّه، متوجه بودند و خودشان را هماهنگ می‌کردند و پیش می‌بردند، می‌توانستند به موقع و به‌جا، آن افکار صحیح اسلامی را بدهند و نگذارند که در موضع تدافعی قرار بگیرند؛ همیشه، موضع تهاجمی و تبیینی داشته باشند. پس، بایستی خودشان را با افکاری که به نحوی، با مسائل اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، هماهنگ نمایند؛... بایستی با تحولات جهانی آشنا بود تا برخورد انفعالی، پیش نیاید؛ بلکه برخوردِ فعال پیش بیاید.^[۱۲]

امروز، مباحث و شبهه‌های جدید و حرف‌های تازه‌ای در دنیا مطرح است؛ بعضی از آنها هم، دارای پایه‌های علمی یا شبهه علمی است. آن کسی که می‌خواهد دین را تبلیغ کند؛ نظر دین را بیان کند؛ یا به تعبیری، از دین دفاع کند - همیشه هم، دفاع نیست؛ گاهی تبیین است - او بایستی بداند که این جریان‌های فکری و این حرف‌های تازه در دنیا، چیست. این شناخت، برای حوزه‌های ما، لازم است.^[۱۳]

کار مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی بیگانه هم خیلی کار خوبی است و کار مفیدی است که بدانید در آن میدان چه می‌گذرد.^[۱۴]

عزیزان من! یکی از خدمات‌هایی که دشمنان ما به ما می‌کنند، همین است که به ما نشان می‌دهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم.^[۱۵]

۶. رصد شبهات، تحریفات و انحرافات منتشر شده در داخل کشور

الف) صدا و سیما

برنامه دینی باید نسبت به دین شبهه‌زدا باشد، نه شبهه‌زا. من گاهی بعضی از بیانات دینی را از تلویزیون یا از رادیو گوش می‌کنم و می‌بینم شبهه ایجاد می‌کند! حدیث سستی، حرف نامعقولی، مطلبی که در جمع مثلاً بیست نفری یا پنجاه نفری یک عده مؤمن مخلص، گفتنش خوب است و ایمان آنها را زیاد می‌کند، در سطح میلیونی مردم به زبان آوردن، جز اینکه ایمان عده‌ی را سست و در ذهن‌شان تردید ایجاد کند، هیچ فایده دیگری ندارد. از این چیزها باید پرهیز کرد. بیان دینی و تبیین دینی باید شبهه‌زدا، روشن، قوی، هنرمندانه و متنوع باشد؛ شبهه‌زا و کلیشه‌ای نباشد.^[۱۶]

ب) متون درسی و آموزشی دانشگاه‌ها

ما باید مطالبی را آماده کنیم که رد انحرافات و تحریفات و اشتباهاتی باشد که به شکل خوراک فکری، در کتاب‌ها و جزوه‌های مختلف، میان جوانان ما تقسیم می‌شود. حتی گاهی نادانسته، در جزوه‌ها و کتاب‌های درسی دانشگاه و نیز در گفتگوهایی که در رسانه‌های جمعی ما منتشر می‌شود، این مطالب می‌آید! ما بایستی پاسخ اینها را آماده بکنیم.^[۱۷]

ج) کتب

شاید اگر در کشور ما فرضاً در یک موضوع هیچ کتابی وجود نداشته باشد، یا هیچ تألیف درستی نباشد، آدم حس نکند که به این کتاب نیاز هست؛ ولی وقتی که این کتاب مطرح می‌شود، می‌بینیم نه، ذهن‌ها آن را می‌خواهند. پس، معنایش این است که ما به هر فرآورده فکر و فرهنگ انسانی نیاز داریم و بایستی آن را بدانیم. البته این حرف معنایش آن نیست که ما در زمینه تولید و چاپ و نشر کتاب، بی‌مبالاتی کنیم. بی‌مبالاتی جایز نیست. من به آقایان مسئولان مسائل فرهنگی هم دائماً این نکته را گفته‌ام و باز هم می‌گویم که ما بایستی بدانیم یک دولت، همچنان که نسبت به بسیاری از امور مردم مسئول است - «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» - مسئول وضع معیشت‌شان، وضع اقتصادشان، وضع سیاست‌شان، وضع فرهنگ‌شان، وضع تحصیلات‌شان، وضع بهداشت‌شان؛ مسئول وضع ذهن‌شان هم هست... بنابراین، خواست، یک امر مطلق نیست؛ آن خواستی که بر طبق مصلحت است، مطلوب است. تشخیص مصلحت هم به عهده آن کسی است که مسئول است.

به نظر من در باب نظریه‌پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جداکردن سره از ناسره همت شود؛ اما در زمینه کار عملیاتی، باید جلو کتاب‌های مضر را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتیم. اینجا بحث نظریه نیست. این کسی که خواند، خودش به طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جلو این را باید گرفت؛ این اصلاً چیز قابل نقدی نیست. این ملاک است؛ یعنی آن نوشته‌ای که وقتی وارد بازار فرهنگ شد، مشغول عملیات می‌شود و قابل این نیست که به آن جواب داده شود، مضر است و بایستی جلوش را گرفت.^[۱۸]



د) نشریات داخلی

... از چند ماه پیش، انواع وسوسه‌های تبلیغاتی از سوی دشمنان کشور شروع شده است و خناسانی هم از داخل به آن کمک می‌کنند... طرح برخی شبهات غالباً موهوم که متأسفانه بعضی از مطبوعات بدان دامن می‌زنند و درباره آن بزرگ‌نمایی می‌کنند، کمک به دشمن است... طرح این‌گونه شبهات در روزنامه‌ها بدون توجه به پاسخ اشخاص صالح، گمراه‌کننده و فتنه‌انگیز است.^[۱۹]

ادامه دارد...



پی‌نوشت‌ها:

- [۱] بیانات در دیدار با مدرسان و مسئولان دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷.
- [۲] پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- [۳] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۶/۱۹.
- [۴] بیانات در اجتماع بزرگ طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
- [۵] بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۱۷.
- [۶] دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
- [۷] بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۰۳/۰۵.
- [۸] بیانات در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲.
- [۹] بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷.
- [۱۰] دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
- [۱۱] همان.
- [۱۲] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱.
- [۱۳] بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۸/۶/۲۸.
- [۱۴] بیانات در جمع مسئولان و دست‌اندرکاران مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- [۱۵] بیانات در دیدار با علما و روحانیون در آستانه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۶/۱۰/۰۳.
- [۱۶] بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.
- [۱۷] سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۷۰/۰۶/۲۵.
- [۱۸] مصاحبه پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۱۳۷۷/۰۳/۰۵.
- [۱۹] پاسخ به نامه گروه‌های موسوم به «ائتلاف خط امام»، ۱۳۷۷/۰۷/۱۲.

